

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی- ایران

۱۶ می ۲۰۱۷

## طبقه کارگر و انتخابات پیش رو

بحث انتخابات فضای جامعه را تحت الشعاع خود قرار داده است. جناح های مختلف حکومت و اصلاح طلبان جنبش کارگری با دمیدن در شیبور تبلیغات، سعی می کنند با جلب نظر مردم به رأی دادن، بازار انتخابات را داغ ننگه دارند. موضوع انتخابات را به اولویت همه مردم تبدیل کنند و طبق معمول از طریق افزایش مشارکت مردم اهداف خود را دنبال نمایند. با بهره گیری از فضای موجود است که جان باختن ۴۳ کارگر معدن زمستان یورت آزادشهر و حادثه ای که باید سیستم سرمایه داری و حکومت آن را به زیر سؤال ببرد، به موضوعی کم اهمیت تبدیل گشته است. به فراموشی سپردن مرگ انسان های زحمتکش و خانه خرابی آنها از نگاه مسؤولان حکومت کم اهمیت جلوه داده می شود و برای این که این حوادث به بحرانی علیه رژیم تبدیل نگردد، حتی از گسیل کردن نیروهای نظامی تحت عنوان کمک رسانی و حفظ نظم و جلوگیری از گسترش دامنه اعتراض خانواده قربانیان و مردم بومی و افشای این قتل عام و جنایت هولناک صاحبان معدن، هیچ ابائی ندارند.

همین مسؤولان که با بی اعتنائی از کنار این فجایع جبران ناپذیر عبور می نمایند و زندگی اکثریت توده های زحمتکش جامعه را به فقر و فلاکت کشانده اند در تبلیغات دروغین و مسمن کننده انتخابات، وعده چاره جوئی برای حل سیه روزی کارگران و زحمت کشان را تبلیغ می کنند، چه سناریوی مضحکی تدارک دیده اند: اول جامعه را به تباهی می کشانند، فقر و بیکاری را گسترش می دهند، شیرازه خانواده ها را از هم می پاشند سپس با بی شرمی تمام هر ۴ سال یک بار برای جلب آرای همین توده های محروم شده و به تنگ آمده وعده افزایش یارانه و تخفیف محرومیت آنها را سر می دهند. چه صحنه گردانی ناشیانه و ناجوانمردانه ای! کارگران، فعالان کارگری، زنان، جوانان، دانشجویان و دانش آموزان، هنرمندان و معلمان و ... را از همه مواهب زندگی و حقوق اجتماعی محروم می کنند و هر کسی که به شرایط نامناسب زندگی خود اعتراض نماید به زندان محکوم می کنند، حتا در همین روزهایی که اوج تبلیغات نمایندگان ریاست جمهوری و شورای شهر است، بسیاری از فعالان کارگری و مدنی به دادگاه احضار شده اند یا تحت تعقیب قرار گرفته اند، آنگاه در همین روزهای تبلیغ انتخابات، عوام فریبانه حرف از آزادی مخالفان و برقراری دموکراسی در جامعه می زنند. با مصادره قدرت، سیاست خود را با اعمال جنایت و ستم به پیش می برند، آزادی های اجتماعی و سیاسی را سرکوب می کنند، سپس برای عدم وجود آزادی اشک تمساح می

ریزند (کافی است توده های مردم به خیمه شب بازی های مناظره تلویزیونی دقت کنند و بهتر دریابند که در ۳۸ سال گذشته با چه کسانی روبه رو بوده اند).

کارگران و زحمتکشان آگاه و همه کسانی که وجدان و اندیشه علمی را در داوری های خود به کار می گیرند خوب می دانند که هرکدام از این قدرتمندان که بانگ و آزادی سر می دهند خود از قاتلان آزادی های توده های مردم در عرصه های گوناگون اند. این ترفند های مندرس ویژه روزهای انتخابات است که فقط مصرف تبلیغاتی دارد. زندگی ما نباید بازیچه و دست مایه تبلیغ انتخابات و قدرت طلبی سرمایه داران و قدرت طلبان قرار گیرد. در جامعه ای که قدرت سیاسی و اقتصادی در اختیار بخش کوچکی از قدرتمندان است و تمام تریبون ها و رسانه های تبلیغی در انحصار بخش خاصی از صاحبان امتیاز جامعه قرار دارد، مضحک و خنده دار است که از آزادی انتخابات صحبت کنیم. در جایی که هیچ توازنی میان نیروهای سیاسی جامعه برقرار نباشد و طبقه کارگر و سایر زحمتکشان که اکثریت جامعه را تشکیل می دهند از هیچ تشکل طبقاتی مستقل سندیکائی و حزب سیاسی خود برخوردار نیستند و کم ترین خواست طبقاتی آنها با شدیدترین سرکوب ها مواجهه می گردد، وجود آزادی در همین جامعه توهمی است که از مغز افراد پریشان فکر و مغرضان سیاسی تراوش می کند. مضحک تر آن است که، طبقه ای که سرنوشت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه را در دست گرفته و زندگی توده های زحمتکش جامعه را تیره و تار کرده است، از ما می خواهد که در انتخابات شرکت کنیم و در سرنوشت خود سهیم باشیم. طبقه کارگر هیچ قربانی با سرمایه داران و نمایندگان سیاسی آنها ندارد. یکی از معیارهای مهم شرکت و یا عدم شرکت در انتخابات وجود حداقلی از دموکراسی و آزادی ها و حقوق شهروندی است؛ وجود حداقل شرایطی است که غیر حکومتی ها هم بتوانند نمایندگانی داشته باشند و حرف خود را آزادانه بزنند و نظرات خود را تبلیغ کنند. این حقوق شهروندی از نظر ما موارد زیر را دربر می گیرند:

- ۱- برابری حقوق همه شهروندان صرف نظر از جنسیت، نژاد، ملیت، مذهب و عقیده.
  - ۲- آزادی نامحدود عقیده، بیان، مطبوعات، نوشته ها، اجتماعات، تظاهرات و اعتصابات.
  - ۳- آزادی نامحدود وجود احزاب، اتحادیه ها و انجمن ها.
  - ۴- عدم دخالت دولت در زندگی خصوصی اشخاص.
  - ۵- آزادی انتخاب شغل، محل اقامت و مسافرت.
  - ۶- مصونیت محل سکونت و کار اشخاص از تعرضات.
  - ۷- منع کنترل نامه ها، بسته های پستی، تلگراف ها، مکالمات تلفونی، پیام های الکترونیک و دیگر ارتباطات خصوصی اشخاص.
  - ۸- منع دستگیری و زندانی کردن اشخاص بدون حکم کتبی دادستان.
- هنگامی که حکومت یک کشور به طور پیگیر ضد دموکراتیک باشد و به اصطلاح «انتخابات عمومی» چنان تدارک و سازماندهی شود که نقش توده های مردم در تعیین سیاست کشور به هیچ تنزل کند؛ هنگامی که در یک انتخابات عمومی هیچ امکانی برای پیشبرد ذره ای از دموکراسی و منافع توده های مردم ممکن نباشد یا هیچ تریبونی برای ابراز نظرات طبقات تحت سلطه و ابراز مخالفت با سیاست های حاکم وجود نداشته باشد، اصولی ترین موضع کارگران آگاه تحریم آن انتخابات عمومی است. زیرا اولاً کارگران آگاه علاوه بر نمایندگی منافع فوری طبقه کارگر، نمایندگی منافع آینده آن را نیز که عبارت از حل تضادهای اساسی جامعه موجود است به عهده دارند و

ثانیاً باید از دامن زدن به توهّم توده ها خودداری کنند و ثالثاً حتی در آینده نیز نباید در معرض این اتهام قرار گیرند که در توهّم آفرینی برای توده های مردم شریک طبقات حاکم و واپس گرایان بوده اند.

آیا کسی در ایران وجود دارد که نداند رژیم جمهوری اسلامی یک حکومت دینی است؟ آیا روشن نیست که یکی از پایه های دموکراسی جدائی دین و دولت از یکدیگر است؟ رژیم جمهوری اسلامی همچون دولتی دینی نافه جدائی دولت و دین است که یکی از پایه های دموکراسی را تشکیل می دهد. آیا هیچ کارگر آگاه انقلابی یا دموکراتی در مورد انتخابات عمومی در رژیم اسلامی مجاز به چشم بستن بر این حقیقت است؟ وانگهی رژیم اسلامی در ایران یک دولت اسلامی ساده نیست. در این رژیم ولایت مطلقه فقیه حاکم بر مقدرات کلی و جزئی زندگی توده های مردم است و یکی از ابزارهای مهم آن، شورای نگهبان، پالایه ای (فیلتری) است که هیچ کسی که زبان مردم باشد نمی تواند از این صافی بگذرد.

عوامفریبی انتخابات عمومی در رژیم اسلامی صرفاً یک عوامفریبی محض در توده های مردم نیست، بلکه از سوئی ابزار و وسیله ای است برای تقسیم مجدد قدرت و ثروت بین دو بخش حاکمیت که جایگاه انحصاری دارند و هر کدام می کوشند یکه تاز معرکه شوند و از سوی دیگر وسیله ای است برای نشان دادن اعتبار و به اصطلاح مشروعیت نه تنها رژیم اسلامی، بلکه اعتبار و طرف معامله بودن جناح خود در روابط بین المللی.

سخنان رهبران و مسؤولان جمهوری اسلامی و تأکید آنها برای به پای صندوق رأی کشاندن مردم همچنین با این هدف صورت می گیرد که نفوذ سیاسی، نظامی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی در منطقه خاورمیانه حفظ شود یا گسترش یابد و بورژوازی بوروکراتیک - نظامی ایران که پرچم پان اسلامیسیم شیعی را به دوش می کشد در بازی های خطرناک سیاسی و نظامی با دست پرتر و با بلوف بیشتری وارد شود. بازی پرخطری که نه «پیروزی» و نه شکست در آن حاصلی جز تباهی، سیه روزی، اختناق بیشتر و مرگ و ویرانی در تمام منطقه، گسترش جنگ و تروریسم و سلطه ارتجاعی این یا آن قدرت ارتجاعی جهانی یا منطقه ئی نخواهد داشت. روشن است که طبقه کارگر و زحمتکشان هیچ نفعی در چنین بازی هائی ندارند و مبارزه با نظامی گری و هژمونی طلبی بورژوازی «خودی» یا «غیر خودی» یکی از عرصه های حیاتی مبارزه طبقه کارگر را به ویژه در شرایط کنونی تشکیل می دهد.

**کارگران انقلابی متحد ایران**

**۲۵ اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۶**